

نظریه معناشناختی اطلاعات^۱

علی منصور^۲

چکیده

ظهور نظریه معناشناختی اطلاعات با رشد سریع و انفجارگونه اطلاعات در قرن بیستم در طول جنگ جهانی دوم همراه بود؛ نظریه‌ای که بر خلاف نظریه ریاضی اطلاعات که برگرفته از دیدگاه شانونی به اطلاعات بود، به محتوای پیام در یک پدیده تأکید دارد. آنچه در این نظریه معیار سنجش اطلاعات قرار می‌گیرد، میزان معنایی است که توسط عامل انسانی دریافت می‌شود. در این پژوهش، ضمن بررسی تفاوت‌های دو نظریه مطرح در حوزه اطلاعات - نظریه ریاضی و نظریه معناشناختی - به تاریخچه نظریه معناشناختی اطلاعات، کاربردپذیری این نظریه در حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی و تبلور آن در نظریه‌های حوزه رفتار اطلاعاتی و اطلاع‌یابی پرداخته شده است. کلیدواژه‌ها: نظریه معناشناختی اطلاعات، بازنمون معنایی، محتوا، نظریه ریاضی ارتباطات (اطلاعات)

مقدمه

دهه ۱۹۴۰، دهه ظهور نظریه‌های اثرگذار درباره ماهیت اطلاعات است. از زمانی که اطلاعات ارزش حیاتی پیدا کرد، دانشمندان و متخصصان در این فکر بودند که چگونه اطلاعات موجود در یک عبارت یا پدیده را مورد سنجش قرار

.....
1. Semantic Theory of Information.

۲. دانشجوی دکتری علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه شهید چمران اهواز mansooria@gmail.com

دهند. دستاورد احساس نیاز به سنجش میزان اطلاعات، تولد نظریه‌هایی بود که سرآغاز آنها نظریه ریاضی ارتباطات شانون در سال ۱۹۴۸ و در ادامه نظریه معناشناختی اطلاعات بود (حری، ۱۳۸۷، ۲۲). از این دهه به بعد، نظریه‌های متفاوتی ظهور می‌کنند که گاه در ماهیت و اهداف، تفاوت‌های زیادی با هم دارند. با نگاهی به ماهیت نظریه‌های بیان شده، نوعی عینی‌گرایی و ذهنی‌گرایی را شاهد هستیم. در ابتدا نظریه‌های اطلاعات و ارتباطات با ماهیت عینی‌گرایی در حوزه‌های فنی و مهندسی نمود پیدا کرد. نمونه این نوع نگرش به اطلاعات، نظریه ارتباطات شانون بود که با دیدی آماری به اطلاعات تدوین شد. با مرور زمان، نظریه‌هایی با ماهیتی عینی‌گرا و متأثر از باور ذهنی بودن ماهیت اطلاعات پا به عرصه وجود گذاشت (خندان و فدایی، ۱۳۸۷، ۴).

«نشاط» (۱۳۸۶) دلیل این دو رویکرد به اطلاعات را ناشی از خصیصه‌های چند وجهی و استعاره‌ی مفهوم اطلاعات می‌داند (۱).

چنانکه ذکر شد، رویکرد عینی‌گرا به اطلاعات، برگرفته از پندار آماری به اطلاعات بود، زیرا ارائه‌دهندگان این نوع رویکرد بیشتر به سنجش میزان پیام ارسال شده از یک کانال ارتباطی، نیاز داشتند. به همین دلیل، اطلاعات از نظر آنها میزان سیگنال و پیامی است که به سمت گیرنده ارسال شده و سنجش محتوای پیام و میزان صحت و مفید بودن یا نبودن برای گیرنده ملاک نبوده است. پایه‌گذار این نوع رویکرد شانون بود که بنا به مأموریتی که برای سنجش میزان سیگنال ارسال شده از طریق خط تلفن بر عهده وی گذاشته شده بود، این رویکرد را ارائه داد.

نظریه شانون علاوه بر کاربردهای اساسی و گسترده در حوزه مهندسی، در حوزه‌های دیگری همچون علوم اجتماعی و فیزیک نیز کاربرد پیدا کرد. «ویور» همکار علمی شانون اعتراف می‌کند که این نظریه هر چند برای حوزه‌های فنی

مطرح شده، باید به بحثهای اجتماعی و معنایی آن نیز توجه شود (سورین و تانکارد^۱، ۱۳۸۶، ۷۱). هر چند ماهیت اصلی نظریه اطلاعات شانون درباره انتقال علامت است و با معنا ارتباطی ندارد، با این حال این نظریه سرآغاز ظهور نظریه‌های دیگری از جمله نظریه معناشناختی اطلاعات بود.

معناشناختی^۲

واژه معناشناختی (Semantics) را برای نخستین بار «میشل بریل»^۳ در سال ۱۸۹۷ در کتابی با عنوان «پژوهشی در معناشناختی» به زبان فرانسه به کار برد. واژه "Semantic" از واژه یونانی "Semantikos" مشتق شده که از دو بخش "Semaino" به معنای «معنا دادن یا معنا بخشیدن، نشان دادن» و "Sema" به معنای «علامت، نشانه» تشکیل شده است. Semantics را بعضی مواقع با Syntax (نحو) که به مطالعه نشانهای زبان بدون توجه به معنا می‌پردازد و در بعضی متون با Pragmatics (واقع‌گرایی) که به مطالعه روابط میان نشانه‌های یک زبان و معنای آنها و استفاده‌کنندگان آن زبان می‌پردازد، برابر دانسته‌اند (ویکی‌پدیا، ۲۰۰۹).

در واژه‌نامه وبستر (۱۹۸۱، ۲۰۶۲) این واژه به شرح زیر تعریف شده است:

۱- وابسته به، یا مرتبط با معنا در زبان

۲- اشاره ضمنی متفاوت به کلماتی که معانی مشابهی دارند

۳- نظام یا نظریه معنا

۴- مطالعه معنا.

.....
1. Severin and Tankard.

2. Semantic.

3. Michel Breal.

دایرةالمعارف آمریکانا «معناشناختی» را به عنوان رابطه میان واژه یا نشانه با مفاهیمی که به آن بر می‌گردد، تعریف می‌کند و آن را به عنوان علمی می‌داند که تاریخچه معنای کلمات و دامنه تغییرات آنها را بررسی می‌کند. به عبارت دیگر، این کتاب معناشناختی را شاخه‌ای از زبان‌شناسی فرض می‌دارد و آن را به عنوان مطالعه رابطه میان نشانه‌ها و آنچه معنا می‌دهند، می‌داند (دایرةالمعارف آمریکانا، ۱۹۹۸، ج. ۲۴، ۵۳۵).

معناشناختی در زبان‌شناسی حوزه‌ای میان‌رشته‌ای شمرده می‌شود که به مطالعه ارتباطات میان حوزه‌های مختلف زبان‌شناسی از قبیل هم‌آوایی، هم‌معنایی، ساختار، تعدد معانی، هم‌ریشه‌ها، اخص‌ها و ... می‌پردازد (ویکی پدیا، ۲۰۰۹).
در علوم انسانی، متخصصان حوزه‌های مختلف بخصوص متخصصان فلسفه، تعریفهایی خاص از معناشناختی دارند. دایرةالمعارف فلسفه معناشناختی را «مطالعه نظام‌مند معنا» تعریف می‌کند (دایرةالمعارف فلسفه، ۱۹۹۸، ج ۸، ۶۴۹).

نظریه معناشناختی اطلاعات

در نظریه معناشناختی، اولین پرسشی که مطرح می‌شود این است که «معنا» چیست؟ (کتر^۱، ۱۹۷۲، ۳) و چگونه محتوای یک پیام یا عبارت و یا به طور کلی یک پدیده، قابل درک و دریافت است؟ پرسشهای دیگری نیز هستند که عبارتند از: این نظریه از چه حوزه‌ای نشأت می‌گیرد؟ چه اختلافی بین نظریه معناشناختی اطلاعات با نظریه‌های دیگر بخصوص نظریه ارتباطات (اطلاعات) شانون وجود دارد؟ و نقطه اتکای این نظریه کجاست و نقطه اشتراک این دو نظریه چیست؟ در این بخش از این نوشته تلاش شده است تا به این پرسشها با استفاده از نظریه‌ها و پژوهشهای متخصصان این حوزه، پاسخ داده شود.

.....
1. Katz.

حوزه‌های علمی مختلفی از جمله فلسفه، منطق، زبان‌شناسی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، کتابداری و اطلاع‌رسانی و دیگران در ارتباطی مستقیم با معنا هستند و هر کدام از حوزه‌ها بنا بر نیاز و تلقی خود از معنا، به آن پرداخته‌اند. به نظر می‌رسد خاستگاه اصلی معنا از زبان‌شناسی باشد و دیگر حوزه‌ها وام‌گیر از حوزه زبان‌شناسی باشند. نگاه حوزه زبان‌شناسی به معنا این است که هر واژه‌ای دارای یک معنای ثابت بوده و تلقی فرد یا افراد از آن واژه معمولاً یکسان است. این امر به دلیل بافت زبان‌شناختی، نشانه‌شناختی و تاریخی منحصر به فرد یک واژه یا متن است که امکان مجزا شدن از معنای خود را نمی‌دهد (رشیدیان، ۱۳۸۳، ۷۶).

«راسل»^۱، فعال در حوزه فلسفه، معتقد است معنا به سابقه ذهنی فرد بستگی دارد. به عبارت دیگر، معنایی که برای واژه‌ها در نظر گرفته می‌شود، چیزی است که فرد با آن آشنایی دارد. وی معتقد است معنای یک نام یا واژه به اینکه سابقه ذهنی فردی که آن را مورد استفاده قرار می‌دهد چگونه باشد، بستگی دارد (هنفلینگ^۲، ۱۳۷۹، ۶۲-۶۳).

متخصصان خاستگاه معناشناختی، یعنی زبان‌شناسان، درک متفاوت و تحلیلهای مختلف و گاه متضادی دارند که می‌توان آنها را به دو گروه نظریه‌های سنتی و کاربردی تقسیم کرد. هر کدام از این نظریه‌ها از متخصصان معروفی الهام گرفته است (صفوی، ۱۳۸۲، ۸۳-۱۱۴).

در نظریه ارجاعی^۳ که سابقه آن به آرای افلاطون و ارسطو بر می‌گردد، معنای واژه‌های زبان را دالّ بر چیزهایی که در جهان خارج وجود دارد، می‌دانند. در مقابل، نظریه انگاره‌نگاری^۴ معنا را موجودیتی می‌داند که فی‌نفسه وجود دارد. این نظریه

-
1. Russell.
 2. Henfeling.
 3. referential Theory.
 4. Ideational Theory.

برگرفته از اندیشه «لاک»^۱ است. نظریه گزاره‌ای^۲ بر انتزاعی بودن معنا تأکید دارد. همه این نظریه‌ها در گروه نظریه‌های سنتی در حوزه معنا جای می‌گیرند. نظریه‌های کاربردی درباره معنا، برگرفته از اندیشه‌های «ویتگنشتاین و آستین»^۳ هستند و بیشتر بر جنبه کاربردی زبان در درک معنا توجه دارند. در این دیدگاه، درک معنا شکل پیچیده‌ای از رفتار اجتماعی است، زیرا طرفداران آن معتقدند درک معنا چیزی است که به هنگام یادگیری زبان، فرا می‌گیریم.^۴

به عبارتی، معناشناسی زبانی در جستجوی کشف چگونگی کارکرد ذهن انسان در درک معنا از راه زبان است، ضمن اینکه نباید در فرایند آفرینش معنا در متن، سه افق معنایی نویسنده، افق معنایی متن و افق معنایی خواننده را نادیده گرفت. گفتگو میان این سه افق، فرایند تأویل و تفسیر را پدید می‌آورد، آفریننده معناست و جهان متن را می‌سازد (علوی مقدم، ۱۳۸۵، ۱۳۶).

حوزه دیگری که به صورت جدی به ماهیت معنا و کاربردی‌پذیری آن توجه دارد، حوزه دین و مذهب است. در دین اسلام نیز به امر معنا بسیار توجه و به همین خاطر تأکید زیادی بر تدبّر و تفکر بر معانی قرآن شده است. دعوت خداوند در مورد آوردن همانند قرآن، ضمن اینکه به ظاهر و واژگان قرآن تأکید دارد، مربوط به دلالت، فهم و معنای آن نیز می‌شود (مسعود، ۱۳۷۷، ۲۹). عقل‌گرایان اجتهادی تصریح می‌کنند قرآن دارای درجات و مراتبی است؛ همان‌گونه که برای انسان به طور مشخص درجه و مرتبه‌ای را قائلند، برای هر مرتبه و مقام حالتی است. آنان

.....
1 . Locke

2 . Propositional Theory

3 . Wittgenstein and Austin

۴ . برای اطلاعات بیشتر در زمینه نظریه‌های معناشناختی در حوزه زبان‌شناسی مراجعه کنید به: کورش

صنوی (۱۳۸۲). نگاهی به آرای فیلسوفان زبان در طرح نظریه‌های معنایی. نشریه دانشکده ادبیات و علوم

انسانی دانشگاه تبریز، دوره ۴۶، شماره مسلسل ۱۸۶ (بهار)، ۸۳-۱۱۴.

معتقدند انسان عادی جز معانی معمولی و ظاهری را درک نمی‌کند و روح قرآن و مغز و اسرار آن را جز صاحبان عقل درک نخواهند کرد^۱ (سعیدی روشن، ۱۳۸۵، ۳۸).

تمامی نظریه‌های بیان شده در حوزه‌های مختلف، به نوعی در نظریه معناشناختی اطلاعات کاربرد دارد. از انتزاعی فرض کردن معنا در نظریه‌های زبان‌شناختی تا نگاه به عمق و محتوای پیام در میان متخصصان حوزه دین، همه در این نظریه کاربرد پیدا می‌کند.

در نظریه معناشناختی اطلاعات، همزمان تفسیر و تلقی و قرائت افراد از معنای موجود در یک پدیده به خاطر مسائل روان‌شناختی، تجربه افراد، اندیشه متفاوت، نیاز گوناگون، دانش پیش داشته، زبان ناهمگون و بسیاری عوامل دیگر، متفاوت و گوناگون است. در قیاس با تلقی نظریه‌های مختلف از معنا، معنا از دیدگاه نظریه معناشناختی اطلاعات چیزی است «قابل کشف» نه چیزی که «دریافت شده» (بارن لوند^۲، ۱۹۷۰، ۸۸؛ نقل شده در سورین و تانکارد، ۱۳۸۶). به عبارت دیگر، وقتی پیامی به گیرنده‌ای ارسال یا تحویل می‌گردد، آنچه ارسال شده و یا توسط فرد دریافت شده است معنا نیست، بلکه آنچه فرد تلاش می‌کند تا از آن عبارت، پدیده یا پیام، کشف یا درک یا حتی تفسیر نماید، معناست.

آنچه مسلم است، اینکه تأکید این نظریه در دریافت معنا، بر ذهن و توانایی انسان است و شاید بتوان این نظریه را بر اساس نظام ارتباط انسانی تعریف کرد که نظامی کارکردی است. «سورین و تانکارد» معتقدند در نظام ارتباط انسانی، به علت

.....
۱. برای اطلاعات بیشتر در زمینه دیدگاه متخصصان حوزه اسلامی درباره معنا، مراجعه کنید به: محمد باقر سعیدی روشن (۱۳۸۵). ماهیت معنا در بازخوانی سه رویکرد متفاوت تفسیری. مقالات و بررسی‌ها، دفتر ۷۹ (بهار)، ۳۵-۵۶.

2. Barnlund.

کارکردی بودن این نظام، انسان می‌تواند بیاموزد، به همین دلیل یک مقصد انسانی یا گیرنده‌ای که انسان است، می‌تواند با گزینش و تفسیر اطلاعات طبق نیازهای فردی خویش، در حکم یک دروازه‌بان عمل کند (سورین و تانکارد، ۱۳۸۶، ۷۷) و با توجه به خصوصیت شاخص انسان، معنای یک عبارت یا پدیده ارسال شده به یک شخص متفاوت است. به عبارتی، معنای موجود در هر پدیده به درک عامل انسانی در هنگام پردازش پیام دریافت شده بستگی دارد.

متخصصان حوزه اطلاع‌رسانی معتقدند نقطه آغاز پردازش پیام، عمل درک فرد است (سورین و تانکارد، ۱۳۸۶، ۹۲). درک گزینشی، نقش مهمی در هر نوع ارتباط دارد. معنای درک گزینشی این است که افراد مختلف می‌توانند نسبت به پیامی مشابه، به گونه‌هایی متفاوت واکنش نشان دهند. هیچ ارتباط‌گری نمی‌تواند فرض را بر این بگذارد که پیامی برای همه گیرندگان، معنای مورد نظر یا حتی برای همه گیرندگان، معنای مشابهی خواهد داشت. این امر نشان از درک متفاوت افراد و در نتیجه تفاوت و حتی تضاد در دریافت معنا از یک پدیده دارد. تفاوت دو نظریه معناشناختی اطلاعات و نظریه ارتباطات شانون، در همین نکته نهفته است. همان‌طور که قبلاً نیز بارها تأکید شد، در نظریه اطلاعات شانون، هدف فقط انتقال پیام به صورت نشانه به سمت گیرنده است و هیچ ملاکی برای اندازه‌گیری میزان تأثیرگذاری و مقدار معنا در پیام ارسال شده وجود ندارد. در مقابل، نظریه پردازان معناشناختی اطلاعات، مقصد نهایی انتقال پیام را افزودن به داشته‌های فرد می‌دانند.

با عنایت به مباحث مطرح شده درباره معنا از دیدگاه نظریات مختلف، روشن می‌شود که آنچه به طور اخص در نظریه معناشناختی اطلاعات از معنا تفسیر می‌شود، با آنچه در حوزه‌هایی همچون زبان‌شناسی به طور خاص وجود دارد، متفاوت است. در زبان‌شناسی به طور اخص معنا مرتبط با واژه و ارتباط کلامی عوامل ارتباط

است، ولی بخشی از آنچه در حوزه نظریه معناشناختی اطلاعات مطرح است، به محتوای واژه‌ها و کلام رد و بدل شده میان دو عامل ارتباطی انسانی می‌پردازد و عمده توجه این نظریه به محتوای اطلاعاتی، هر پدیده‌ای است که می‌تواند حامل پیامی باشد.

با مشخص شدن ماهیت اصلی نظریه معناشناختی اطلاعات که همان معناست، در ادامه به بررسی تاریخچه نظریه معناشناختی اطلاعات پرداخته می‌شود.

در زمانی که جنگ جهانی دوم جریان داشت، اندیشه‌ها درباره موضوعاتی همچون ارتباطات، سایبرنتیک و اطلاعات رواج یافت (نیومن^۱، ۲۰۰۱، ۱۵۷). دلیل این امر، رشد سریع اطلاعات و منابع اطلاعاتی از یک سو و از طرف دیگر محدودیتهای اعمال شده بر جریان صریح اطلاعات بود. با دید اخلاقی به قضیه جریان آزاد اطلاعات، دانشمندی همچون «وینر»^۲ (۱۹۴۸) سایبرنتیک را مطرح نمود. در ادامه «کارناپ و بار هیلل»^۳ در سال ۱۹۵۲ معیارهای کیفی برای سنجش اطلاعات معنایی بر اساس منطق استقرایی کارناپ پیشنهاد نمودند. گرچه آنها نظریه ریاضی را به طور کامل رد نمی‌کنند، اما رویکرد علوم انسانی به اطلاعات را مستلزم توجه به درونمایه نشانه‌ها می‌دانند (بار هیلل و کارناپ، ۱۹۵۳). اساس این منطق «جهان ممکن»^۴ بود (نیومن، ۲۰۰۱، ۱۵۷). در تفکر جهان ممکن، معنای یک عبارت یا پدیده به صورت گزاره‌ای از جهان ممکن است که در قالب ارزش حقیقت^۵ ارائه می‌شود (بارویس^۶، ۱۹۸۹، ۸۰).

-
1. Newman.
 2. Wiener.
 3. Bar-Hillel and Carnap.
 4. Possible World.
 5. Worth of Truth.
 6. Barwise.

از دلایل اصلی مطرح شدن این نظریه در مقابل نظریه ارتباطی شانون، مسئله مبهم و ناکارآمد بودن مقیاس سنجش اطلاعات و معنای موجود در یک پدیده انتقال یافته بود، زیرا مدل ارتباطی شانون و ویور برای استفاده در مسائل مهندسی توسعه یافته و هیچ‌گاه از طرف متولیان این امر نیز ادعای پرداختن این نظریه به ارتباط انسانی مد نظر نبوده است. به دلیل مطرح شدن مباحث معناشناختی و لزوم شناخت میزان اطلاعات و معنای موجود در یک پدیده، «آزگود»^۱ (۱۹۵۴، ۲-۳) برای اولین بار مدلی را ارائه کرد که درباره معنا و برگرفته از فرایندهای روانی زبان‌شناختی است. در همین راستا، «کارناپ و بار هیلل» مشخصاً به بحث معنا پرداخته اند.

در نظریه ارائه شده توسط هیلل و کارناپ، برای سنجش میزان اطلاعات موجود در یک پدیده، به دو نوع معیار سنجش اطلاعات توجه شده است: (۱) معیاری که میزان اطلاعات واقعی در یک پدیده را مورد سنجش قرار می‌داد و (۲) معیاری که اطلاعات غیر منتظره را باید مورد سنجش قرار دهد. به نظر می‌رسد منظور این دو از اطلاعات واقعی، معنای موجود در محتوای یک پدیده است که فرستنده پیام بدان علم دارد، اما اطلاعات غیرمنتظره اطلاعاتی است که برای هر فرد می‌تواند متفاوت باشد.

محققان فوق، اندازه‌گیری معنای موجود در یک پدیده را به صورت زیر بیان

داشتند:

اگر S یک عبارت یا پدیده و $P(s)$ معنای واقعی در یک عبارت باشد،

بنابراین میزان اطلاعات واقعی برابر است با:

$$\text{Cont}(s) = 1 - p(s)$$

درحالی که میزان معنای غیرمنتظره برابر است با:

$$\text{Inf}(s) = -\log_2 p(s)$$

.....
1. Osgood.

با توجه به مطالب گفته شده و بر خلاف نظریه شانون، نظریه معناشناختی میزان اطلاعات در یک پدیده را بر اساس عناصر منطقی در محتوا می‌سنجد که به صورت عبارت نمایش داده می‌شود. در این نظریه، هر عبارت از چند عنصر تشکیل شده ولی ماهیت آماری ندارد، بلکه بر اساس اصول منطقی استوار است. دلیل این امر، ماهیت اطلاعات است که بر اساس حقیقت شکل گرفته است (بونوی^۱، ۲۰۰۱، ۵۲۲).

با توجه به مباحث مطرح شده و با در نظر گرفتن جایگاه معنا، آنچه در این نظریه مهم است، این است که چگونه معنا از فرستنده به گیرنده منتقل می‌شود و یا به عبارت دیگر آیا معنا منتقل شدنی است یا اینکه درک می‌شود. پرسش دیگر این است که چگونه معنا در ذهن افراد شکل می‌گیرد. در ادامه، با توجه به نظریه معناشناختی اطلاعات، چگونگی انتقال پیام و درک معنا در فرایند انتقال اطلاعات مورد بحث قرار می‌گیرد.

چگونگی شکل‌گیری معنا در فرایند انتقال داده

در نظریه‌های موجود در حوزه اطلاعات، همیشه بحث انتقال مطرح بوده و به عنوان یکی از اضلاع دریافت اطلاعات محسوب شده است، زیرا بدون انتقال اطلاعات از طریق یک کانال، امکان دریافت اطلاعات وجود نخواهد داشت. اما آنچه مهم است اینکه انتقال اطلاعات به چه صورتی باشد و با مشکلات چگونه برخورد شود که عمل دریافت و درک اطلاعات در فرایند انتقال اطلاعات به درستی انجام گیرد.

.....
1. Bonnevie.

«ویور» (۱۹۴۹) در پرداختن به بحث ارتباطات و انتقال اطلاعات، سطوح سه‌گانه‌ای از مشکلات را بیان و تأکید می‌کند که باید در یک فرایند ارتباطی بر آنها چیره شد. اینها عبارتند از: ۱- مسائل فنی یا فیزیکی که به وسایل و تجهیزات انتقال اطلاعات مربوط می‌شود. ۲- مسائل معنایی یا بازنمون محتوای نمادهای ارسال شده که از آن طریق معنای مورد نظر رسانده می‌شود. در این مرحله، بر واژه‌های به کار رفته در پیام و تفسیر معنا از سوی گیرنده در مقام مقایسه با معنای مورد نظر فرستنده پیام تکیه می‌شود. ۳- مسائل اثربخشی یا رفتاری که به موقعیتی مربوط است که در آن، تأثیر اطلاعات منتقل شده از فرستنده به گیرنده بر برخی رفتارهای مورد نظر در فرد، بررسی می‌شود (پائو، ۱۳۷۹، ۳۱-۳۲).

با نگاهی به مشکلات مطرح شده در فرایند انتقال اطلاعات، متوجه می‌شویم نظریه معاشناختی اطلاعات هر چند با مسائل معنایی و چگونگی بازنمون محتوای پیام ارسال شده ارتباط مستقیم دارد، ولی به علت اینکه مسئله انتقال داده و تبدیل آن به اطلاعات به صورت یک فرایند یکپارچه از زمان انتقال اطلاعات از طرف گیرنده از طریق کانال ارتباطی تا دریافت پیام توسط گیرنده و تبدیل و تفسیر آن به اطلاعات و در نهایت ترویج دانش، در اثر این انتقال پیام صورت می‌گیرد، به طور غیرمستقیم نیز باید به مسائل و مشکلات فنی و اثربخشی توجه شود.

با توجه به اینکه نظریه معاشناختی اطلاعات مشخصاً به مرحله دریافت پیام مرتبط است، در این مرحله عملیاتی در سه سطح انجام می‌گیرد که به شرح زیر است:

- در سطح اول، پیام ارسال شده در قالب علایم و نشانه‌ها از طریق کانال ارتباطی در محیط توسط فرد دریافت می‌شود. با توجه به تنوع و تفاوت شخصیتی و حتی نیاز دریافت‌کننده‌ها، پیام نیز متفاوت کدگذاری می‌شود.

- سطح دوم، به تفسیر داده‌های اخذ شده از سطح اول مربوط است. در این مرحله، معنا به داده‌ها اضافه می‌شود و اطلاعات شکل می‌گیرد.

- شکل‌گیری دانش، مشخصه اصلی سطح سوم است. در این سطح ارگانیزم، دانش را در بستر هدف‌هایش می‌گنجاند و آن را بر اساس اطلاعات پیش‌داشته، مورد سنجش و ارزیابی قرار می‌دهد (نشاط، ۱۳۸۷، ۲۹-۳۰).

«دیوید برلو»^۱ (۱۹۶۰) معتقد است مفهوم معنا با پنج مفهوم ضمنی همراه است: نخست اینکه پیام دریافت شده حکم محرک درونی را دارد و به پاسخی درونی از سوی دریافت‌کننده پیام منتهی می‌شود. دوم، هر دو عامل درونی و بیرونی می‌توانند برای استنباط و درک معنا از سوی دریافت‌کننده پیام مؤثر باشند. سوم، برای استنباط و دریافت معنا از پیام، دریافت‌کننده پیام باید نقاط مرجع مشترکی با فرستنده پیام داشته باشد. دیگر اینکه گذشت زمان و تجربه اندوزی و سایر محرک‌ها، ممکن است موجب تفسیری متفاوت از دیگران در استنباط معنا شوند و مفهوم ضمنی آخر اینکه معنا از نظر فضایی ثابت نیست. اگر پیامی توسط بیش از یک شخص دریافت شود، امکان استنباط و قرائت متفاوت معنا نیز به تعداد دریافت‌کنندگان بیشتر خواهد شد و این امر نشان از گذرا و متغیر بودن معنا و قابلیت تفسیر متفاوت آن دارد (باد، ۱۳۷۲، ۱۴۸).

درک و تفسیر اطلاعات

فرایند دریافت، تفسیر و استنباط پیام در بسیاری از الگوهای ارتباطی «رمزگشایی» خوانده شده است. امر رمزگشایی از پدیده‌ها و بسته‌های اطلاعاتی، متضمن درک و فهم پیام‌های موجود است. درک با استفاده از دریافت اطلاعات از

.....
1. Berlo.

طریق حواس - حوزه‌ای که روانشناسان درباره آن تحقیق کرده و نوشته‌اند اتفاق می‌افتد. درک، فرایندی پیچیده است که طی آن افراد، بر اساس موقعیت و نیاز، محرک‌های حسی را گزینش می‌کنند، سازمان می‌دهند و به تصویری معنادار و منسجم از جهان تفسیر می‌کنند (برلسون و استاینز^۱، ۱۹۶۴، ۸۸ نقل شده در سورین و تانکار، ۱۳۸۶، ۹۴). چنانکه گفته شد، برای اینکه عمل درک و فهم انجام گیرد، اطلاعات یا به عبارت دیگر پیام ارسال شده از طرف فرستنده باید تفسیر گردد؛ عملی که در علوم مختلف به هرمنوتیک معروف است.

هرمنوتیک در قرن اخیر توانسته به عنوان یک دانش و فن، جایگاه ویژه‌ای را در بسیاری از حوزه‌های دانش همچون فلسفه، علوم اجتماعی، الهیات، نقد ادبی و علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی بیابد و بحث‌های نوینی را در آن عرصه‌ها در قالب بررسی چگونگی درک و تفسیر پیام راه‌اندازی کند.

در تعریف‌های ارائه شده برای هرمنوتیک، هر حوزه‌ای بنا به نیاز، شناخت و دیدگاه خود تعریفی داشته است. به طور کلی، هرمنوتیک را «علم به قواعدی که به کمک آن معنای نشانه‌ها درک می‌شود» تعریف کرده‌اند (آگوست^۲، نقل شده در واعظی، ۱۳۸۰، ۱۱۹). به عبارتی، قلمرو هرمنوتیک را تا جایی که معنا و نیاز به فهم معنا لازم باشد، گسترده می‌دانند (هایمر^۳، ۱۳۸۰، ۵۶). همان‌طور که در تعریف آمده، هدف علم هرمنوتیک دریافت معنای پیام است که از طریق قواعدی انجام می‌گیرد که به درک ماهیت یک متن، فهمیدن معنای یک متن و در نهایت فهم و تفسیر آن متن می‌انجامد (هاروی^۴، ۱۳۸۲، ۳۷). پیامی که مورد تفسیر قرار می‌گیرد، باید دارای ساختاری باشد که عبارت است از:

-
1. Berlson and Steiner.
 2. Agust.
 3. Himer.
 4. Harvey.

۱- نشانه

۲- پیام دریافتی که نیازمند تفسیر است.

۳- میانجی یا مفسری برای انتقال پیام به مخاطبان (بهرامی، ۱۳۷۹، ۱۳۰).

در تعریفهای ارائه شده، بیان شده معنا تا زمانی که لازم باشد، قابل تفسیر است. این نکته نشانگر آن است که معنا در یک پیام می‌تواند متغیر و بسته به نیاز و درک افراد و قدرت تفسیر متفاوت باشد. با توجه به عوامل زیر، تفسیر معنا در یک پدیده اطلاعاتی می‌تواند گوناگون باشد:

۱- پیش داشته: در واقع، هر فهمی در بستری خاص آغاز می‌شود. به عبارتی،

پیش‌داشته‌های موجود در ذهن افراد است که امکان آگاهی را به فرد می‌دهد.

۲- پیش‌نگرش: در این مرحله، جزئیات بررسی می‌شود و به عنوان عاملی

است که به وسیله آن کاربر ذهن خود را فقط متوجه آن چیزی می‌نماید که از پیام طلب می‌کند.

۳- پیش‌دریافت: کاربر با تفسیر متن یا پدیده اطلاعاتی و با تأیید یا رد آن،

پیش‌فهمی را که نسبت به متن یا هر واقعیت دیگری دارد، آشکار می‌سازد (نشاط، ۱۳۸۲، ۳۷).

با نگاهی به بحثهای ارائه شده، مشخص می‌شود یکی از اصلی‌ترین موارد

کاربردی هرمنوتیک، درک معناست که ماهیت اصلی نظریه معناشناختی اطلاعات را تشکیل می‌دهد. نگاه هرمنوتیکی به معنا که متأثر از نظریه هرمنونی^۱ است، به

.....
۱. این نظریه را به گرامشی منتسب می‌کنند. مفهوم هرمنونی را این فرد در راستای اصلاح نگرشها، احکام و استراتژیهای مارکسیستی ارائه نمود. به بیان گرامشی، واقعیت هرمنونی بر این فرض نهادینه شده است که طبقه حاکم باید به علایق و گرایشهای گروه‌هایی که باید بر آنها تسلط داشته باشد، توجه کند و به یک موازنه منطقی با آنها برسد (رائی تهرانی، ۱۳۸۸، ۹۹). در واقع، تحت تأثیر نظریه هرمنونی گرامشی بود که نگرش هرمنوتیکی به فرهنگ توده‌ای شکل گرفت (بشیری، ۱۳۷۹، ۳۱-۳۳).

ارزش مصرفی یا استفاده از معانی و لذات موجود در کالاهای فرهنگی - کتاب، پدیده اطلاعاتی و هر چیز موجود در کتابخانه به عنوان محمل اطلاعاتی - مربوط می‌شود. در چرخه فرهنگی، مصرف کنندگان به عنوان تولید کنندگان معنا قلمداد می‌شوند. معانی در این چرخه به آن شیوه‌ای که کالا در بازار مالی جریان دارد، وجود ندارد. در عرصه کشف معنا در کالای فرهنگی، مصرف کننده در نقطه پایانی سلسله روابط جای نمی‌گیرد، بلکه نقطه آغاز تولید معناست. به عبارت دیگر، میان تولیدکننده و توزیع کننده معنا نمی‌توان تمیز داد (پدرام و محمد زاده، ۱۳۸۳، ۸۵). بنابراین، از دیدگاه هرمنوتیکی دیگر نمی‌توان گفت معانی در هویتها در سطح مصرف صرفاً تکرار مواضع مندرج در مرحله تولید است (نشاط، ۱۳۸۶، ۷۸) بلکه میزان معنا، همان میزان درک و تفسیر متفاوت افراد از یک پدیده اطلاعاتی است.

به نظر می‌رسد دیدگاه هرمنوتیکی در مقابل دیدگاه پوزیتیویستی قرار دارد. دیدگاه پوزیتیویستی اطلاعات به نظریه شانون نزدیک است و اطلاعات را بر حسب بیت و تعداد نشانه‌های ارسال شده تعریف می‌کند. اندازه‌گیری اطلاعات در این دیدگاه به طور طبیعی بسیار راحت است. در مقابل، دیدگاه هرمنوتیکی به اطلاعات که نزدیک به نظریه معناشناختی اطلاعات است، در پی پاسخگویی به سؤالهایی است؛ از جمله اینکه یک سند برای چه کسی یا کسانی اهمیت دارد و پاسخگوی پرسشهای چه کسی یا کسانی است و آیا این سند توانایی پاسخگویی به این پرسشها را دارد (خندان، ۱۳۸۷، ۱۱۰).

رویکرد هرمنوتیکی به اطلاعات، به جای تأکید بر اصالت متن و جستجوی معنا در آن، بر کردار حسی و ادراکی مصرف تأکید می‌کند. به عبارتی، مصرف، خود عملی خلاق است. معنای متن، تولید یا ارسال نمی‌شود بلکه هنگام دریافت پیام توسط خود گیرنده و بر اساس میزان درک گیرنده ساخته می‌شود. بنابراین، بر

خلاف نگرشی که به تولید اصالت می‌بخشد و بر خلاف نگرش اصالت متن که به ویژگی‌های صوری متن توجه دارد، هرمنوتیک بر روابط و فرایند مصرف اطلاعات و درک معنا در مرحله بعد از دریافت پیام تأکید می‌ورزد. با توجه به دیدگاه هرمنوتیکی اطلاعات، مصرف‌کنندگان اطلاعات در یک نظام، توده‌ای از افراد منفعل و بی‌اراده نیستند که چشم بسته به آنچه عرضه می‌شود گردن نهند (نشاط، ۱۳۸۴، ۱۱۳).

نظریه معناشناختی اطلاعات در حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی: کاربردها، مشکلات و راهکارها

این پرسش را بسیار شنیده‌ایم که وظایف و کارکرد کتابخانه و کتابداری چیست؟ در پاسخ هم فراوان شنیده‌ایم که به طور قطع مفهوم معنا، اطلاعات و اطلاع‌رسانی در حوزه کتابداری، با مفهوم این واژه در یک سازمان تجاری و انتفاعی متفاوت و این تفاوت از تعریفی که از این واژه در حوزه‌های مختلف می‌شود، نشأت گرفته است. به عنوان مثال، در یک سازمان کشاورزی مراجعه‌کننده تنها اطلاعاتی که می‌تواند از بخش اطلاع‌رسانی دریافت کند، شماره اتاقها، نام مسئولان و اطلاعاتی از این قبیل است و اگر تمایل داشته باشد در زمینه پرورش گیاهان گلخانه‌ای اطلاعاتی کسب کند، بخش اطلاع‌رسانی این سازمان کمکی به وی نخواهد کرد، درحالی که همین پرسش را بخش اطلاع‌رسانی کتابخانه به راحتی پاسخ خواهد داد. این تفاوت در کارکرد، ناشی از تلقی این دو بخش از اطلاعات و اطلاع‌رسانی است.

کتابخانه یک نظام اطلاعاتی محسوب می‌شود که تلاش می‌کند اطلاعات را در اختیار کاربران قرار دهد. کتابخانه‌ها برای رسیدن به این هدف از امکاناتی همچون موتورهای جستجو و نظامهای تحویل مدرک استفاده می‌کنند. نظامهای

تحویل مدرک و موتورهای جستجو ممکن است به کاربر مدارک و اطلاعاتی را تحویل نماید که سودمندی آن برای او مشخص نباشد. بنابراین، باید محتوای این اسناد و مدارک رمزگذاری و تحلیل شود. شاید بتوان از طریق نمایه‌سازی و با استفاده از روشهای رتبه‌بندی نتایج و همچنین استفاده از هوش مصنوعی، کاربران را در انتخاب مدرک مورد نیاز همیاری نمود. به عبارت دیگر، درجه احتمال موجود بودن اطلاعات مورد نظر را در مدارک بازیابی شده مشخص ساخت که به صرفه‌جویی در وقت، انتخاب سریع، رهایی از سردرگمی، جلوگیری از فزونی اطلاعات و ریزش کاذب در بازیابی کمک خواهد کرد. اگر به کتابخانه و مرکز اطلاع‌رسانی به عنوان یک منبع اطلاعاتی نگاه کنیم، مسئله آنتروپی نمی‌تواند با الهام از نظریه معناشناختی اطلاعات و شکل‌دهی مؤثر اطلاعات در قالب نمایه‌های منسجم و گویا، مراجعه‌کننده را در انتخاب موارد اطلاعاتی و همچنین اخذ تصمیم کمک کند (آزاد، ۱۳۸۶، ۲۰۶).

الهام گرفتن از نظریه معناشناختی اطلاعات، هم می‌تواند در مرحله شکل‌دهی و رمزگذاری مطرح باشد و هم در مرحله دریافت پیام. تا زمانی که این دو مرحله به صورت بهینه انجام بگیرد، کارکرد کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی به‌عنوان نظام ارتباطی ناقص است. ضمن اینکه باید توجه داشت در نظامهای ارتباطی خودکاری که در کتابخانه‌ها رایج شده است، نباید به دیدگاه شانونی برگشت، بلکه از آنها باید با شیوه‌ای مناسب استفاده کرد.

نظریه معناشناختی اطلاعات در دستیابی کتابخانه به هدفهای خود کاربرد دارد. عملیات مرجع، فهرست‌نویسی، رده‌بندی و نمایه‌سازی منابع کتابخانه‌ای با هدف بازنمون محتوا، از مهم‌ترین هدفهای کتابخانه است که مخاطب این نظریه قرار می‌گیرد. با این حال، مشاهده می‌شود که اکثر کتابخانه‌ها به‌طور شایسته در عمل

بازنمون معنای موجود در منابع اطلاعاتی خود موفق نبوده‌اند. دلایل این امر می‌تواند متفاوت باشد:

- عمل نمایه‌سازی، فهرست‌نویسی و رده‌بندی به طور خاص به بازنمون محتوای منابع اطلاعاتی از طریق کلیدواژه‌ها می‌پردازد. این کلیدواژه‌ها بر اساس قواعدی خاص و با استفاده از منابع خاصی از جمله سرعنوانهای موضوعی، یا اصطلاحنامه‌ها شکل می‌گیرند. در این مرحله، ممکن است مشکلاتی به وجود آید. فرض کنید کتابداری اقدام به نمایه‌سازی یک منبع اطلاعاتی می‌کند. کلیدواژه‌هایی که برای این منبع انتخاب می‌شود، ممکن است کنترل شده باشد و از منابع استاندارد مثل اصطلاحنامه انتخاب شود یا برعکس از اصطلاحات درون متن انتخاب گردد. پرسشی که پیش می‌آید این است که آیا امکان دارد واژه‌های انتخاب شده برای بازنمون محتوای معنایی منبع اطلاعاتی، اشتباه بوده و یا نتواند به طور کامل بیان‌کننده محتوای اطلاعاتی منبع باشد؟ از طرف دیگر، امروزه شاهد گسترش علوم و به وجود آمدن حوزه‌هایی جدید و تحول در واژگان برای موضوعات علمی جدید هستیم. آیا منابع استاندارد مورد استفاده کتابداران، امکان روزآمد سازی خود همراه با تحول حوزه‌های مختلف را دارا می‌باشند؟

- امروزه به خاطر تحول سریع و تغییر گسترده حوزه‌های مختلف و پویایی زبان، واژه‌های تخصصی بسیاری وارد یک حوزه می‌شود که تعدادی از آنها غیررسمی است و در منابع مرجع وجود ندارد. این نکته کتابداران را موظف و حتی مجبور می‌کند از این واژه‌ها در بازنمون محتوای اطلاعاتی منابع غافل نمانند. پرسش اینجاست که چگونه و از چه روشی امکان پیوند میان سلیقه‌های مختلف در واژه‌گزینی برای بیان محتوای اطلاعاتی و معنای موجود در یک منبع اطلاعاتی

وجود دارد؟ چگونه امکان استفاده از واژه‌های مختلف برای بازنمون محتوای معنایی منابع اطلاعاتی امکان‌پذیر است؟

- کتابخانه‌ها دارای استفاده‌کنندگانی مختلف با میزان نیاز و سلیقه‌های گوناگون هستند. آیا به کارگیری روشهایی یکسان و استفاده از کلیدواژه‌هایی همسان برای تمامی گروه‌ها منطقی است؟ به عبارت دیگر، آیا مثلاً استفاده از سرعنوانهای موضوعی برای بیان محتوای کتاب داستان کودکان امکان بازنمون محتوا را برای این کاربران امکان‌پذیر می‌کند؟ آیا این روشها آشکارسازی محتوای منابع اطلاعاتی را برای کاربران با سلیقه‌های مختلف و واژه‌های مختلف مد نظر آنها، امکان‌پذیر می‌سازد؟

- تفاوت در سطح اطلاعات و تخصص کتابداران و کاربران، به‌طور طبیعی انتخاب واژگان برای بازنمون و بازیابی محتوای منابع اطلاعاتی را متفاوت می‌سازد. استنباط معنایی کتابدار از یک عبارت، متن و یا منبع اطلاعاتی، ممکن است متفاوت از استفاده‌کننده آن باشد. چه راهکاری برای حل این تفاوت وجود دارد؟ اینها و خیلی مسائل دیگر، این نگرانی را به وجود می‌آورد که در عصری که کتابداران و کتابخانه‌ها با اضافه بار اطلاعاتی بسیار زیادی مواجه هستند، چگونه و از چه روشی باید برای بازنمون مناسب معنایی منابع اطلاعاتی استفاده کنند. برای فایق آمدن به مشکلات بازنمون محتوای معنایی منابع اطلاعاتی در کتابخانه‌ها، راهکارهای مختلفی پیشنهاد شده است:

- استفاده از هوش مصنوعی در خدمات مرجع و انجام مصاحبه صحیح مرجع تا حصول به اطلاعات مناسب برای درک نیاز واقعی کاربر و استفاده از متخصصان موضوعی در پاسخگویی به افراد.

- استفاده از منابع مرجع مناسب از قبیل اصطلاحنامه‌های تخصصی در گزینش کلیدواژه‌ها، ضمن اینکه نباید از منابع اطلاعاتی روزآمد از قبیل مقاله‌های منتشر شده در مجله‌ها، روزنامه‌ها، کنفرانسها، منابع الکترونیکی و اینترنت غافل شد.

- استفاده از روشهای ارجاعی برای برقراری پیوند میان کلیدواژه‌های متفاوتی که ممکن است توسط گروه‌های مخاطب یک موضوع یا منبع اطلاعاتی استفاده شود.

- استفاده از روشهای نوین بازنمون محتوای منابع اطلاعاتی از جمله امکان تعیین کلیدواژه توسط خود کاربر در راستای بازنمون محتوا یا بازیابی اصل منبع. از جمله روشهای نوینی که متخصصان حوزه سازماندهی منابع اطلاعاتی در محیط وب بر آن تأکید دارند، «فوکسونومی»^۱ یا رده‌بندی مردمی است. رده‌بندی مردمی، نوعی رده‌بندی است که عامه مردم (کاربران) در فرایند سازماندهی اطلاعات مشارکت دارند. به عبارت دیگر، مردم (کاربران) پس از کشف منابع اطلاعاتی دلخواه خود در محیط وب، آنها را با اصطلاحهای نمایه‌ای^۲ خاص خود یا آنچه در منابع مرتبط با رده‌بندی مردمی به آن برچسب^۳ گفته می‌شود، برچسب‌گذاری می‌کنند. به عبارت دیگر، محتوای معنایی آن را بر اساس دانش خود بازنمون می‌سازند. زبان استفاده شده در این نظام رده‌بندی، زبان جستجوی عامه مردم (کاربران) است (نوروزی، منصوره و حسینی، ۱۳۸۶، ۱۵۵). در واقع، مبنای فلسفی رده‌بندی مردمی، بهره‌گیری از خرد جمعی کاربران وب در امر گردآوری، سازماندهی، مدیریت و اشاعه اطلاعات است (مک فدریس^۴، ۲۰۰۶، ۸۰). به عبارتی، در این نوع روش

-
1. Folksonomy.
 2. Index Terms.
 3. Tag.
 4. Mc Fedris.

رده‌بندی، استفاده کننده اقدام به انتخاب کلیدواژه‌های مورد نظر خود برای بیان محتوا و معنای دریافت شده از یک منبع کند.

- مقابله با اضافه بار اطلاعاتی و اطلاعات نامربوط. ظهور فناوریهای نوین اطلاعاتی بخصوص فناوریهای وب، عرضه منابع اطلاعاتی و اطلاعات را افزایش داده است. به نظر می‌رسد همراه با توسعه منابع اطلاعاتی و سرازیر شدن آنها به کتابخانه‌ها، روشهای بازنمون اطلاعاتی توسعه خاصی نیافته است. با توجه به مطلب بیان شده، کتابخانه‌ها باید با استفاده از فنون مختلف، توازنی منطقی بین درک و دریافت معنا در حدی مطلوب و افزایش انفجارگونه تولید منابع اطلاعاتی برقرار کنند. ضمن اینکه نرم افزارهای بازیابی اطلاعات که امروزه در کتابخانه‌ها استفاده می‌شود، معمولاً با دیدگاه شانونی به انتقال اطلاعات توجه دارند، درحالی که نگرش معناشناختی و توجه به وجود همبستگی میان پاره‌های اطلاعاتی ضروری است.

تبلور نظریه معناشناختی اطلاعات در نظریه‌های رفتار اطلاع‌یابی

یکی از دغدغه‌های اصلی کتابخانه‌ها و بخصوص مراکز اطلاع‌رسانی، بررسی رفتار اطلاع‌یابی کاربران خود است تا از قبل آن بتوانند خدماتی ارزشمند و مفید را به آنان ارائه دهند. معمولاً میزان مفید و ارزشمند بودن منابع کتابخانه‌ها بر اساس میزان استفاده کاربران از منابع سنجیده می‌شود. برای پی بردن به این میزان استفاده و مفید بودن و میزان کارایی نظام اطلاع‌رسانی، رفتار اطلاع‌یابی کاربران مورد بررسی قرار می‌گیرد.

نظریه‌های مختلفی درباره رفتار اطلاع‌یابی کاربران نگاشته شده است^۱. در بعضی از این نظریه‌ها از نظریه معناشناختی اطلاعات الهام گرفته شده است.

.....
۱. مطالب این بخش از منبع ذیل اقتباس شده است: نظریه‌های رفتار اطلاعاتی (۱۳۸۷). ویراسته کرن‌ای. فیشر، ساندا اردلز و لین مک کچی؛ ترجمه فیروزه زارع فراشبندی و [...] دیگران]. تهران: کتابدار.

«دروین»^۱ پایه گذار نظریه معنابخشی^۲ (۱۹۸۳، ۱۹۹۹) معتقد است افراد به موقعیت خود بر اساس آنچه می‌دانند و یا می‌توانند به آسانی یاد بگیرند، معنا و مفهوم می‌بخشند. معنابخشی افراد تنها برای ادامه زندگی آنها مورد نیاز است و ضرورتی ندارد که در حد عالی و وسیع و به صورتی باشد که آنها را به ایجاد مفهوم (معنی) برای هر چیزی قادر سازد (بیتس^۳، ۱۳۸۷، ۱۹). در این نظریه، دروین تأکید می‌کند که افراد بر اساس نیاز، درک و میزان توانایی خود به پدیده‌ها معنا می‌بخشند و این مطلب برگرفته از نظریه معناشناختی اطلاعات است که اعتقاد دارد میزان دریافت معنا از پدیده‌ها بر اساس میزان نیاز است و از یک فرد به دیگری ممکن است متفاوت باشد.

در نظریه اعتبارشناختی^۴ «ویلسون»^۵ (۱۹۸۳) که برگرفته از نظریه معرفت‌شناسی اجتماعی^۶ است، افراد یک جامعه دانش خود را معمولاً به دو روش متفاوت به دست می‌آورند: اول بر اساس تجربیات دست اول خود یا آنچه به صورت دست دوم از دیگران یاد گرفته‌اند. آنچه افراد به صورت دست اول یاد می‌گیرند، به اصول و اندیشه‌هایی بستگی دارد که آنها از برخوردهای خود با جهان، تفسیر و درک می‌کنند (ریه^۷، ۱۳۸۷، ۱۰۷).

یکی از مشهورترین نظریه‌ها درباره رفتار اطلاع‌یابی، نظریه فرایند جستجوی اطلاعات «کولثا»^۸ است. در مورد خدمات کتابخانه‌ها، کولثا و معتقد به تأمین دسترسی به منابع، اطلاعات و تقویت دسترسی به اطلاعات موجود در منابع اطلاعاتی

-
1. Dervin.
 2. Sense Making Theory.
 3. Bates.
 4. Cognitive Authority.
 5. Wilson.
 6. Social Epistemology.
 7. Rieh.
 8. Kuhlthau, s Information Search process.

است. وی بیان می‌دارد که روشهای تقویت دسترسی، شامل دسترسی فیزیکی و دسترسی معنوی است. دسترسی فیزیکی به منابع اطلاعاتی نشان‌دهنده محل منابع اطلاعات در مجموعه منابع کتابخانه و مراکز اطلاع‌رسانی است. در حالی که دسترسی معنوی، تفسیر اطلاعات و بازنمون ایده‌های درون منابع و به عبارت کلی‌تر جستجوی معناست. در این نظریه، کولثا و به صراحت از عدم قطعیتی صحبت می‌کند، که مبنای جستجوی اطلاعات کاربران برای دریافت معنا را تشکیل می‌دهد (کولثا، ۱۳۸۷، ۲۷۳-۲۷۶). عدم قطعیتی که کولثا و آن صحبت می‌کند، یکی از مشوقهای استفاده از اطلاعات و جستجوی معنا در منابع اطلاعاتی است تا این عدم قطعیت در نتیجه استفاده از حقیقت، به یقین تبدیل شود.

جمع‌بندی

بررسی نظریه معناشناختی اطلاعات نشان داد این نظریه نتیجه رشد سریع اطلاعات بود. بر اساس نظریه‌های معنایی، زبان شناختی به وجود آمد و در بسیاری از علوم از جمله کتابداری کاربرد یافت. بررسی ماهیت نظریه مشخص ساخت اصل و اساس این نظریه بر اساس معنا شکل گرفته است. نظریه پردازان این حوزه بر این باور هستند که درک و تفسیر هر پدیده دارای اطلاعات به تعداد دریافت کنندگان آن، می‌تواند متغیر باشد و این بر اساس قرائتهای متفاوت و درک گوناگون عامل انسانی است.

نظریه معناشناختی به خاطر ماهیت و اهمیت آن، در خیلی از علوم از جمله علوم انسانی، اجتماعی، روانشناسی، زبان شناسی، فلسفه و علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی و حتی روشهای تحقیق، کاربرد پیدا کرده است. این امر به خاطر ماهیت توجه به محتوا و معنای پیام است. به تبع ماهیت و رسالت حوزه کتابداری و

اطلاع‌رسانی، این نظریه در این رشته بسیار کاربرد پیدا کرده است. بخشهای مختلف کتابخانه از جمله بخش مرجع، عملیات فهرست‌نویسی، رده‌بندی و نمایه‌سازی منابع کتابخانه‌ای با هدف بازنمون محتوا، از مهم‌ترین هدفهای کتابخانه است که مخاطب این نظریه قرار می‌گیرد. ضمن توجه به کاربرد عملی این نظریه در کتابداری و اطلاع‌رسانی، از کاربردهای تئوریک آن در نظریه‌پردازی نباید غافل شد. نمونه این کاربردها، الهام گرفتن نظریه‌های رفتار اطلاع‌یابی است. ضمن اینکه امروزه اینترنت و فضای سایبر قابلیت و کاربرد این نظریه را در این حوزه دوچندان کرده است. به طور کلی، این نظریه راهگشای مناسبی برای ارائه خدمات مفید به کاربران کتابخانه‌هاست و شایسته است کتابداران به نحو مطلوبی از آن در امور مختلف کتابخانه بخصوص طراحی نرم‌افزارها، استفاده کنند.^۱

منابع

- آزاد، اسدالله (۱۳۸۶). اطلاعات و ارتباطات: مفاهیم، نظریه‌ها و جغرافیای سیاسی. تهران: کتابدار.
- باد، جان (۱۳۷۲). «کتابخانه، اطلاع و معنا»، ترجمه محبوبه مهاجر. فصلنامه کتاب، دوره ۴، شماره ۲ (تابستان)، ص ۱۳۳-۱۷۸.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۹). نظریه‌های فرهنگ در قرن بیستم. تهران: آینده پویان.
- بهرامی، محمد (۱۳۷۹). «هرمنوتیک (هرش) و دانش تفسیر». پژوهشهای قرآنی، دوره ۶، شماره ۲۱ و ۲۲ (بهار و تابستان)، ص ۱۳۰-۱۷۷.

.....
۱. نگارنده بر خود واجب می‌داند از راهنمایهای ارزنده جناب آقای دکتر کوکی استاد گروه کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه شهید چمران تقدیر و تشکر نماید.

- بیتس، مارسیا جی. (۱۳۸۷). مقدمه‌ای بر فرا نظریه‌ها، نظریه‌ها و الگوها، ترجمه غلام حیدری. در نظریه‌های رفتار اطلاع‌یابی، ویراسته کرن ای فیشر، ساندر اردلز و لین مک کچنی؛ ترجمه فیروزه زارع فراشبندی و [...] دیگران؛ ویراسته زاهد بیگدلی. تهران: کتابدار.
- پائو، میراندا لی (۱۳۷۹). مفاهیم بازیابی اطلاعات، ترجمه اسدالله آزاد و رحمت الله فتاحی. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- پدرام، مسعود و مهدی محمدزاده (۱۳۸۳). «ایدئولوژی، هژمونی و سلطه در رسانه‌ها». رسانه. سال ۱۵، شماره ۱ (بهار)، ۷۷-۹۴.
- حرّی، عباس (۱۳۸۷). درآمدی بر اطلاع‌شناسی: کارکردها و کاربردها. تهران: دما: کتابدار.
- خندان، محمد (۱۳۸۷). «ماهیت اطلاعات در نظر رافائل کاپورو». اطلاع‌شناسی، سال ۶۵ (تابستان و پاییز)، ۸۷-۱۱۸.
- خندان، محمد و غلامرضا فدایی (۱۳۸۷). «نگاهی به پارادایم‌های سه‌گانه مدرن در اطلاع‌شناسی». پیام کتابخانه، (پاییز)، ۳-۲۹.
- راثی تهرانی، حبیب (۱۳۸۸). نظریه هژمونی آنتونیو گرامشی. کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره ۱۶ (تیرماه)، ۹۹-۱۰۸.
- رشیدیان، عبدالکریم (۱۳۸۳). «دریبا و نظریه معنا در هوسرل». پژوهشنامه علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۳۹ و ۴۰ (پاییز و زمستان)، ۷۳-۸۶.
- ریه، سویانگ (۱۳۸۷). اعتبار شناختی، ترجمه غلام حیدری. در: نظریه‌های رفتار اطلاع‌یابی، ویراسته کرن ای فیشر، ساندر اردلز و لین مک کچنی؛ ترجمه فیروزه زارع فراشبندی و [...] دیگران؛ ویراسته زاهد بیگدلی. تهران: کتابدار.

- سعیدی روشن، محمداقرا (۱۳۸۵). «ماهیت معنا در بازخوانی سه رویکرد متفاوت تفسیری». مقالات و بررسی‌ها، دفتر ۷۹ (بهار)، ۳۵-۵۶.
- سورین، ورنر و جیمز تانکارد (۱۳۸۶). نظریه‌های ارتباطات، ترجمه علیرضا دهقان. تهران: دانشگاه تهران.
- صفوی، کورش (۱۳۸۲). «نگاهی به آرای فیلسوفان زبان در طرح نظریه‌های معنایی». نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، دوره ۴۶، شماره مسلسل ۱۸۶ (بهار)، ۸۳-۱۱۴.
- علوی مقدم، مهیار (۱۳۸۵). «گذری بر معناشناسی فهم متن». مجله مطالعات ایرانی، سال ۵، شماره ۹ (بهار)، ۱۳۳-۱۴۹.
- کولثا، کارول کولیر (۱۳۸۷). فرایند جستجوی اطلاعات کوهلثا، ترجمه فیروزه زارع فراشبندی و [دیگران] در: نظریه‌های رفتار اطلاع‌یابی، ویراسته کرن ای فیشر، ساندراردلز و لین مک کچنی؛ ترجمه فیروزه زارع فراشبندی و [دیگران]؛ ویراسته زاهد بیگدلی. تهران: کتابدار.
- مسعود، محمد خالد (۱۳۷۷). «نظریه معنا از دیدگاه شاطبی»، ترجمه عباس امام. نامه فرهنگستان، دوره ۴، شماره ۲ (تابستان)، ۲۷-۴۱.
- نشاط، نرگس (۱۳۸۲). «هرمنوتیک و بازیابی اطلاعات». اطلاع‌شناسی، ۱ و ۲ (زمستان)، ص ۳۲-۴۶.
- _____ (۱۳۸۴). «رویکرد معناشناختی به اطلاعات و اطلاع‌رسانی». مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، شماره ۱ (بهار و تابستان)، ۱۰۷-۱۱۹.
- _____ (۱۳۸۶). از شناخت تا ایده: جنبه‌های معرفتی اطلاعات و اطلاع‌رسانی. تهران: دما.

- _____ (۱۳۸۷). «ملغمه‌ای از اطلاعات سببی و ایجابی». اطلاع‌شناسی، سال ۵ و ۶ (تابستان و پاییز)، ۲۱-۴۲.
- نظریه‌های رفتار اطلاع‌یابی (۱۳۸۷). ویراسته کرن ای فیشر، ساندرارادلز و لین مک کچنی؛ ترجمه فیروزه زارع فراشبندی و [... دیگران]؛ ویراسته زاهد بیگدلی. تهران: کتابدار.
- نوروزی، علیرضا؛ علی منصوری و مهدی حسینی (۱۳۸۶). «رده‌بندی مردمی (فوکسونومی): سازماندهی دانش بر اساس خرد جمعی». اطلاع‌شناسی، سال ۵، شماره ۱ و ۲ (پاییز و زمستان)، ۱۵۱-۱۶۶.
- واعظی، احمد (۱۳۸۰). «چیستی هرمنوتیک». ذهن، ۳، ص ۱۱۵-۱۴۹.
- هاروی، ون ای. (۱۳۸۲). «علم هرمنوتیک»، ترجمه محمد ناصحی. نامه حکمت، دوره ۱، شماره ۲ (پاییز و زمستان)، ۲۵۳-۲۷۰.
- هایمر، یول واینز (۱۳۸۰). «هرمنوتیک (اصول علم تفسیر)»، ترجمه سیما ذوالفقاری. نامه فرهنگ، دوره ۱۱ شماره ۱ (بهار)، ۵۵-۶۹.
- هنفلینگ، ا. (۱۳۷۹). «نظریه‌های مربوط به معنا از ارجاع تا استعمال»، ترجمه همایون همتی. ذهن، دوره ۱، شماره ۲ (تابستان)، ۵۹-۸۵.
- Bar-Hillel, Yehoshna and Carnap, Rudolf (1953). "Semantic information". *The British Journal for the Philosophy of Science*, Vol 4, No 3, pp: 147-157.
 - Barwise, J. (1989). "The Situation in Logic". Stanford, CA: CLSI Lecture Notes no. 17. Distributed by University of Chicago Press.
 - Bonnevie, Ellen (2001). "Dretske's semantic information theory and meta theories in library and information science". *Journal of Documentation*, Vol 57, No 4, pp: 519-534.
 - Katz, Jerrold J. (1972). **Semantic theory**. New York: Harper & Row.
 - McFedries, Paul (2006). "Technically Speaking: Folk Wisdom Spectrum", *IEEE*, Vol. 43, No. 2, p: 80

- Newman, Julian (2001). "Some observation on the semantics of information". *Information Systems Frontiers*, Vol 3, No 3, PP: 155-167.
- Osgood, C. E. (1954). "Psycholinguistics: a survey of theory and research problems". *Journal of Abnormal and Social Psychology*, Vol 49, N. 4 (pt.2), pp: i-203
- "Semantics" (1998). *Encyclopedia Americana*, Vol. 24. New York: p. 535
- "Semantics" (1998). *Routledge encyclopedia of philosophy*, Vol. 8. London; New York: Routledge, p.649
- "Semantic" (1981). *Webster's third new international dictionary of the English language unabridged*, Vol. 2. Springfield: Webster Inc. p. 2062
- "Semantic" (2009). [Online]. Available at: <http://en.wikipedia.org/wiki/Semantic> (17 November 2009).
- Wiener N. (1948). *Cybernetics of control and communication in the animal and the machine*. New York: Wiley.